



دکتر علی اکبر شعاری نژاد

فلسوف امروزیین تربیت کیست؟

آدمی برده‌ی فناوری ساخته‌ی خودش شود، طبعاً بی‌سواد یا سردی عاطفی بر او مسلط خواهد شد و او ناگزیر، بر سلطه‌ورزی بیش‌تر خواهد اندیشید. و اگر صرفاً عاطفی باشد و دل تنها داور زندگی او، بدیهی است که طبعاً تحت سلطه‌ی فناوریست‌ها قرار خواهد گرفت و هم‌چون بچه‌ی نوزادی خواهد شد که برای اظهار گرسنگی خود، راهی جز ناله و فریاد ندارد.

* آموزش - پرورش انسان دوستانه را تنها ضامن زندگی سالم جهان می‌دانند. طبیعی است چنین آموزش - پرورشی «خداپرستانه» نیز خواهد بود.

* معلمان، مهم‌ترین مؤلفه تعیین‌کننده‌ی سرنوشت رفتاری کودکان و نوجوانان جامعه و جهان هستند، لکن نه تنها مؤلفه.

* آموزش - پرورش، بدون مدیریت علمی به پیامدهای مطلوب دست نخواهد یافت. مدیریت علمی تربیت یعنی پرداختن به واقعیت‌های زندگی، تحلیل و تبیین درست مسائل موجود جامعه و جهان، پرهیز از هرگونه شتابزدگی در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی، و پذیرفتن و باور داشتن این واقعیت که معلم (و مدیر) و محصل و شرایط یادگیری / آموزشی سه زاویه‌ی یک مثلث‌اند؟ و باید به هر سه‌ی آن‌ها با هم و هم‌زمان پرداخت. مثلاً معلم محروم از ایمنی خاطر و رفاه لازم، هرگز نمی‌تواند محصل سالم تربیت کند. یا محصل محروم از شادی، نمی‌تواند یادگیرنده‌ی موفق‌تری باشد. و بدون مدرسه یا کلاس سالم و نشاط‌انگیز، ناکامی معلم و محصل با هم حتمی است، و این نیز در جهان شاد امکان‌پذیر است.

* تربیت یا آموزش - پرورش، فلسفه است و علم و هنر و صنعت، و نباید آن را به عهده‌ی هر شخص، حتی با مدرک تحصیلی

فلسفه، علم نیست، بلکه معرفت است و معرفت افزا و تعریف‌ناپذیر

منظور از فیلسوف امروزیین تربیت، اندیشه‌مندی است که امر آموزش - پرورش انسان را محور یا کانون اساسی و عمده‌ی ذهن خود قرار داده است؛ با این باورها که:

* فرایند آموزش - پرورش، عمدتاً محیطی و متغیر است و تغییردهنده.

* همگان در چند و چون آن مسئول‌اند.

* مغز و دل و دست با هم و هم‌زمان در آن کارگردد و استیلای یکی از آن‌ها بر دو تای دیگر یقیناً به زیان زندگی سالم بشر خواهد انجامید. مغز، نمایانگر (سمبل) علوم و یافته‌های علمی، دل، رمز احساسات و عواطف، و دست، نشانه‌ی فناوری است. مثلاً وقتی

عالی، واگذاشت. به این معنا که پرداختن به حرفه‌ی معلمی، بدون گذراندن دوره‌های تخصصی، غیرممکن و بدپیامد است. از اندیشه‌مند یا فیلسوفی با این باورها در حوزه‌ی آموزش-پرورش می‌توان انتظار داشت که از ویژگی‌های زیر برخوردار باشد:

زنده و بیدار و فرزندروز
شاد و شادی برانگیز
امیدوار و امیدبخش
پرهیز از گوشه‌نشینی و حرّافی
پرداختن به مسائل واقعی انسان و انسانیت در جامعه و جهان

برخوردار از سلامت شخصیت
دردمند و درد فهم؛ دردهای اجتماعی انسان امروز
حساس، فعال و خلاق
بی‌ادعا یا بی‌ادع‌تر و فروتن علمی
افشاگر خرافات نه مروج آن‌ها
پرهیز از قطعی تلقی کردن اطلاعات و معلومات خودش
برخوردار از یادگیری مداوم و افزایش مداوم معرفت خویشتن

تردید را مقدمه‌ی نیل به یقین نسبی دانستن
برخوردار از ذهن باز و آزاد و کمک به اشاعه‌ی آن در کودکان و نوجوانان
آینده‌نگری و آینده‌یابی (هر چند احتمالی) و مهم تلقی کردن آن

آشنا با میراث فرهنگی جامعه و جهان، اما نه پرسش آن
با جرئت در برخورد با مسائل و امیدوار به حل آن‌ها
همراه کردن عشق و منطق در پرداختن به مسائل انسانی، خصوصاً آموزش - پرورش

تحمل افکار و نگرش‌های مخالف
پرهیز از هرگونه سلطه‌ورزی و زیر سلطه قرار گرفتن
پرهیز از اظهار برتری و برتری‌جویی
مهارت در برقراری ارتباط با مردم، به ویژه ارتباط کلامی
پرهیز از هرگونه قشربندی شهروندان
پرهیز از هرگونه تلاش به تحمیل افکار و عقاید خود به دیگران

پرهیز از هرگونه مجادله و یا جرّ و بحث‌های کلامی نالازم
جرئت متفاوت و انتقادی اندیشیدن و بازاندیشی و فراتراندیشی

به امید روزی که «یادگیری» وارد زندگی ما شود و شکل نهادینه پیدا کند

* کتاب‌ها را خواندن، لکن در کتاب‌ها نماندن
* همواره در سخن گفتن، اصالت را به شنونده دادن و در نوشتن، اصالت را به خواننده دادن
* در عالم واقع زیستن

این گونه اندیشه‌مند یا فیلسوف تربیت، که خود محصول شرایط زمان / مکان و چگونگی آموزش - پرورش آن است، طبعاً به موارد زیر می‌اندیشد و روی آن‌ها تأکید دارد:

۱. انسانیت انسان و چگونگی حفظ و تحکیم آن در جهان
۲. چگونگی و اثربخشی تفکر خلاق و انتقادی و روش‌های گسترش آن
۳. مسائل واقعی انسان امروز و چگونگی تحلیل و تبیین آن‌ها و راه و روش‌های گوناگون حل کردن آن‌ها
۴. چگونگی به زبان عامه سخن گفتن و نوشتن
۵. امکان و چگونگی برخوردار کردن همه‌ی افراد بشر از زندگی سالم

۶. آیا می‌توان علوم را در این جهت راه برد؟ چگونه؟
۷. چگونه می‌توان انسان امروز را با طبیعت آشتی داد؟
۸. چگونه می‌توان جهان معاصر را از ضعف مدیریت و جهل مرکب و ستمکاری رهایی بخشید.

۹. چگونه می‌توان مردم را به آینده خصوصاً در حوزه‌ی آموزش-پرورش امیدوار کرد؟
۱۰. چگونه می‌توانیم همگی جهانی بیندیشیم و جهانی عمل کنیم؟
۱۱. چگونه می‌توان از یخ‌زدگی یا یخ‌شدن جهان فکر پیشگیری کرد؟

۱۲. برخی بر این باورند که آیا واقعاً چنین است؟ برخی باور دارند، دنیای ما دنیای نامتعادل و نامتعادلان است؟ چرا چنین شده است؟ و چه باید کرد؟

انیشتین می‌گوید: دو چیز انتها ندارد:

۱. وسعت کهکشان‌ها

۲. حماقت انسان‌ها

هرگونه اصلاح یا تغییر ضروری در آموزش - پرورش، در واقع اصلاح اجتماعی است و برعکس.

بدیهی است که چنین فیلسوفی هرگز از خداوند متعال و ضرورت رعایت او در همه‌ی فعالیت‌های آشکار و ناآشکار غافل نخواهد بود. خوشا به حال جامعه‌ای که از وجود چنین فیلسوفانی برخوردار باشد. اینان بهترین و مؤثرترین یاران معلمان کشور خواهند بود.